

نقد و واکاوی حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش در ماه‌های آغازین هجرت برای کسب درآمد از دیدگاه مستشرقین

مهریه پاکروان^۱

زهرا سالاریان^۲

چکیده: مسلمانان در هجرت مجبور به ترک زندگی و همه سرمایه خود شدند و در اوج سختی و عسرت، زندگی جدید خود را در مدینه آغاز کردند. برخی مستشرقین معتقدند که در این شرایط، مهاجرین مال باخته به منظور ایجاد شغل و کسب درآمد کاروان‌های تجاری قریش را هدف حمله و غارت خود قرار دادند. این نوشتار در صدد واکاوی این مسئله است که آیا چنین هدفی می‌تواند علت سرایا و غزوات آغازین بعد از هجرت باشد؟ با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مدینه، روابط تجاری قبایل اطراف مدینه با قریش و پیمانهای میان اوس و خزر و قبایل اطراف باید گفت نه تنها این امر نمی‌توانست سبب قوت اقتصادی و کسب درآمد و شغل برای مسلمانان شود، بلکه غارت کاروان‌ها و ایجاد نامنی در مسیرها اقتصاد مدینه نوبتاً را با چالش‌های جدی رویه رو می‌کرد. یهودیان نیز که موقعیت اقتصادی و اجتماعی شان در خطر قرار می‌گرفت در برابر چنین اقداماتی بی‌اعتباً نمی‌ماندند. اتخاذ چنین هدفی نه تنها سبب کسب درآمد نمی‌شد بلکه با درنظر گرفتن مناسبات پیچیده میان قبایل و سایر مؤلفه‌ها، حتی منافع اقتصادی مسلمانان را نیز در خطر قرار می‌داد.

واژه‌های کلیدی: مستشرقین، کاروان تجاری، اقتصاد مدینه، سرایا، غزوات

m.pakravan@alzahra.ac.ir
zahrasalarian.s@gmail.com

۱ مهریه پاکروان، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)

۲ زهراء سالاریان، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

Criticism and Analysis of Orientalists Views Regarding Muslims' Attacks on Commercial Convoys of Quraysh during the Early Months of Hijrat for Revenue

Mahdiyeh Pakravan¹

Zahra Salarian²

Abstract: Those Muslims who had migrated to Medina had to leave their lives and all their capitals behind. Those who were known as the rich in Mecca began their new life in Medina at the peak of hardship. Some of the orientalists believe that in this situation, the poor migrants started to plunder the merchants of Quraysh in order to create jobs and make money. Considering the economic conditions of Medina and the Quraysh trades with its allies such as Ows and Khazraj and the tribes around Medina, it should be said that not only such a an action could not lead to economic prosperity and earning money and jobs for Muslims, but it could make conditions for the emerging economies to be worsen due to plundering the caravans and insecurity of the routes. The Jews, whose social and economic situations were in danger, could not be indifferent to such actions. Therefore, such a goal is not only seems to be unreasonable, but also is in conflict with the economic interests of Muslims.

Keywords: Orientalists, commercial caravan, Medina economy, plundering, Ghazva, Saria

¹ PhD student of Islamic history, Alzahra University (corresponding author)
² MSc in Islamic philosophy and theology, Qom University

m.pakravan@alzahra.ac.ir
zahrasalarian.s@gmail.com

مقدمه

در سال سیزدهم بعثت مسلمانان تحت شرایط دشواری که قریش فراهم آورده بود مجبور به ترک مکه شدند.^۱ آنها چنان با دست خالی از شهر خود رانده شدند که حیات اقتصادی شان در مدینه باید از نو آغاز می‌شد، حال آنکه برخی از این مال باختگان، متمولین مکه بودند.^۲ تعدادی از مهاجرین، مهمان خانه‌های انصار و بسیاری از آنها در صفة مسجد مدینه ساکن شدند و به اصحاب صفة شهرت یافتد.^۳ آنان در مسجد می‌خوابیدند، روزها هم همانجا سایه می‌گرفتند و جای دیگری غیر از آن نداشتند. شب‌ها هنگام غذا خوردن، پیامبر(ص) آنها را میان یاران خود تقسیم می‌کرد و برخی نیز با خود ایشان غذا می‌خوردند.^۴

پیامبر(ص) می‌دانست که اگرچه او مکه را ترک کرده است اما مکیان او را رها نکرده‌اند، پس تدابیر ایشان بر زوایایی همه‌جانبه استوار بود تا علاوه بر حل مشکلات معیشتی، ثبات، انسجام و مدیریت کلان شهر نیز حفظ شود. مدینه‌ای که متشکل از گروه‌های مختلفی چون انصار، قبایل یهود و مهاجران بود،^۵ می‌توانست به راحتی در معرض چالش‌ها و اختلافات درونی قرار گیرد و آبستن حوادث شود. اقداماتی چون ساخت مسجد، تدوین منشور مدنی و عقد اخوت^۶ در راستای ایجاد کانونی منسجم و ساختارمند حائز اهمیت است. برای مهاجرانی که ۱۳ سال روز و شبشان همراه با تحقیر و خصومت مکیان بود، روشن بود که ایجاد این فاصله جغرافیایی چیزی از حجم دشمنی مکه نکاسته است و اتفاقاً قوت گرفتن استقلال و اقتدار مسلمانان آنها را عصبانی‌تر می‌کرد. پس چنین منطقه آسیب‌پذیری بی‌تردید باید صلابت و نظم نظامی خود را نیز بازسازی می‌کرد تا بتواند آماده هر نوع مخاصمه‌ای باشد. این بستر منطقی و نیز شرایط دشوار اقتصادی مسلمانان، زمینه‌ای برای طرح چنین اندیشه‌ای شده است که بهترین راه برای تأمین معیشت آنان، حمله به کاروان‌های تجاری قریشی بوده است که مسیرشان به شام از اطراف مدینه می‌گذشت.

۱ محمدبن سعد (۱۴۱۸)، *الطبقات الکبیری*، به کوشش محمد عبدالقدیر عطا، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲ به عنوان نمونه صهیب که از جوانان و اشراف بود و مکیان تا شمش و طلاهایش را نگرفتند او را برای خروج رها نکردند: عبدالملک بن هشام [ابی تا]، *السیرة النبوية*، به کوشش ابراهیم ابیاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شبی، ج ۱، بیروت: دار المعرفة، ص ۴۷۷.

۳ درباره صفة و اهل آن نک: رسول جعفریان (۱۳۸۶)، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، تهران: نشر مشعر، ج ۸، صص ۲۳۴-۲۳۲.

۴ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵ ابن هشام، همان، ج ۱، صص ۱-۵۰۰.

۶ همان، ج ۱، صص ۴۹۶، ۵۰۴-۵۰۲-۵۰۱.

مستشرقینی چون مارشال هاجسون^۱، میرجا الیاده^۲، مونتگمری وات^۳ و دیوید بوکای^۴ غزوات و سرایای آغازین هجرت را متکی بر این هدف دانسته‌اند.

قبل از جنگ بدر ۸ غزوه و سریه در منابع تاریخی ثبت شده که به نقل واقدی از ماه هفتم هجری آغاز شده است.^۵ این گزارش‌ها به لحاظ تاریخی، اسنادی و اهداف مطرح شده در آنها محل بررسی هستند، ولی هدف این مقاله پرداختن بدان‌ها نیست، بلکه گفتار مستشرقین در نگاهی کلان و با تمرکز بر شرایط اقتصادی مدینه نقد و تحلیل خواهد شد. البته اشاره به این مطلب ضروری است که در هیچ‌یک از این غزوات و سرایا کاروان‌های تجاری قریش مورد حمله قرار نگرفته‌اند، بجز سریه نخله که فرمانده آن مورد توبیخ پیامبر(ص) قرار گرفت^۶ و در تقسیم اموال آن نیز اتفاق نظر وجود ندارد.^۷

ضرورت این تحقیق به جهت اتهامی است که ساحت پیامبر(ص) و مسلمانان را نشانه گرفته و آن‌ها را افرادی غارتگر می‌داند که در اولین اقدامات فرامحلی مدینه، تأمین معاش خود را بر چنین مبنای استوار کرده‌اند. اگرچه عموم کتب تاریخ اسلام به‌طور مختص به غزوات و سرایای قبل از بدر اشاره کرده‌اند؛ اما خلاً تحقیقی مستقل که دغدغه این پژوهه را در بر داشته باشد وجود دارد. البته ظفر بنگاش در فصل چهارم کتاب^۸ خود به تحلیل برخی از این سرایا پرداخته است. او ضمن اشاره به برخی قبایل در همسایگی مدینه، پیمان آنها با اوس و خزر، نزدیکی محل سکنی آنها در اطراف راه‌های تجارتی برآن است که برقراری روابطی دوچانبه با این قبایل از نظر رسول خدا(ص) مغفول نمانده است. نویسنده با به چالش

۱ مارشال هاجسون (Marshall G. S. Hodgson) (۱۹۲۲-۱۹۶۸م)، محقق در زمینه اسلام و مورخ، استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو و رئیس کمیسیون چندرشته‌ای تفکر اجتماعی.

۲ میرجا الیاده (Mircea Eliade) (۱۹۰۷-۱۹۸۶م)، از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان معاصر.

۳ مونتگمری وات (William Montgomery Watt) (۱۹۰۹-۲۰۰۶م)، استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند و اسلام‌شناس معاصر.

۴ دیوید بوکای (David Bukay)، استاد معاصر مطالعات خاورمیانه در دانشگاه حیفا و نویسنده کتاب‌های بنیادگرایی اسلامی و فرهنگ سیاسی عرب.

۵ محمدين عمر واقدي (۱۴۰۹)، المغازى، به کوشش مازدن جوزن، ج ۱، بيروت: اعلمى، ج ۳، ص ۲.

۶ همان، ج ۱، صص ۶۰۱-۶۰۶.

۷ برای نمونه نک: همان، ج ۱، صص ۴۰۳-۴۶۰؛ احمدبن محمود سیواسی (۱۴۲۷)، عيون التفاسير، به کوشش بهاءالدین دارتما، ج ۱، بيروت: دار صادر، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۸ ظفر بنگاش (۱۳۹۲)، دیپلماسی صلح عادله در سیره پیامبر اعظم(ص)، ترجمه اکبر بتؤئی به سفارش مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی، صص ۱۸۹-۲۲۲.

کشیدن هدف غارت و حمله به کاروان‌های تجاری قائل به اهداف استراتژیک با این قبایل در برخی سرایا است. اگرچه اطلاعات کتاب فوق ارزشمند است؛ اما به دغدغه این تحقیق در آن توجّهی نشده است، لذا ضرورت این تحقیق همچنان به قوت خود باقی است.

در این نوشتار ابتدا شرایط اقتصادی مدینه مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس با بیان دیدگاه مستشرقین به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا کسب درآمد می‌تواند هدف غزوات و سرایای آغازین بعد از هجرت باشد؟ و اساساً آیا حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست سبب قوت اقتصادی مسلمانان شود؟

فعالیت‌های تجاری مدینه

در نگاهی کلی، آب و هوای یتر ب نسبت به مکه مناسب‌تر و معتدل‌تر بود. حومه این شهر زمینهٔ فراهم‌تری برای زراعت داشت و خرمای یتر ب معروف بود.^۱ در برابر مکه که اقتصادی تجاری داشت، اقتصاد یتر ب زراعی بود. البته توصیف زراعی برای یتر ب در مقابل مکه‌ای است که بی‌آب و علف بود، نه زراعتی که قابل مقایسه با زراعت مکان‌هایی چون شام و ایران باشد. از سوی دیگر، یتر ب به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه تجاری به شام از پتانسیل اقتصادی نیز برخوردار بود، اگرچه قوت مکه را نداشت. به‌هرحال این منطقه از قبل از میلاد مسیح شناخته شده بود و جاذبهٔ تجاری منطقه و آب و هوای مناسب زرع آن باعث تکوین مدینت و استقرار قبایل صحراگرد در این واحه شده بود.^۲ احمد ابراهیم شریف مدل اقتصادی مدینه را متکی بر سه فعالیت عمده دانسته است: کشاورزی، دامداری، تجارت.^۳ تجارت مدینه در دو شاخه جویان داشت: تجارت داخلی، میان اهالی یتر ب و نیز با اعرابی که در همسایگی آنها بودند؛ و تجارت خارجی میان بازرگانان مدینه و کشورهایی چون روم و ایران.

قوم عرب به دلیل زمینهٔ گستردهٔ دادوستد، دارای مدل‌های مختلفی از خرید و فروش بود.^۴ یهودیان ثروتمندی در مدینه ساکن بودند که به نظر می‌رسد نقش قابل توجهی در فعالیت تجاری در حجاز و به خصوص در مدینه داشتند، چه در تجارت‌های خارجی و چه در

۱ ابوالفضل بنائی کاشی و دیگران (۱۳۸۹)، اطلس تاریخ اسلام، زیر نظر عزیز خوشوقت، ج ۱، تهران: تکا، ج ۱، ص ۳۵۶.

۲ غلامحسین زرگری نژاد (۱۳۸۷)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت، ج ۵، ص ۱۱۸-۱۲۱.

۳ احمد ابراهیم شریف (۱۹۸۵)، مکة و المدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول، قاهره: دار الفکر العربي، صص ۳۷۸-۳۸۴.

۴ نک: سعید افغانی (۱۳۹۴)، اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام، بیروت: دار الفکر، ج ۳، صص ۴۶-۵۹؛ سید کاظم صدر (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱، صص ۱۸-۲۱.

تجارت‌های محلی و موسمی.^۱ اطلاعاتی درباره برخی تاجران‌شان هم در منابع ثبت شده است، مانند ابو رافع خیری که از شام پارچه‌های مختلف می‌آورد^۲ یا ادینه یهودی که چنان در تجارت خبره بود که سبب رشک قریش شد و سرانجام با کشتن او از رقابت خلاص شدند.^۳ یشیان با صادرات کالا به شام و نیز با وارد کردن محصولات ضروری (خصوصاً جو و آرد جو) و پارچه‌های گوناگون نقش خود را به عنوان اهرم اقتصادی در این مبادلات دو طرفه حفظ می‌کردند. همچنین مشارکت تجار یثرب در صادرات کندر و مناسبات تجاری یهود با بازار گنان ایران و آشنایی آنها با زبان فارسی از سوی مورخان تأیید شده است.^۴ با این مقدمه، به بررسی دیدگاه برخی از مستشرقین می‌پردازیم که گفته‌اند حمله به کاروان‌های تجاری ضرورتی برای ایجاد شغل و کسب درآمد برای مهاجرین بوده است.

دیدگاه مستشرقین در باب حمله مسلمانان به کاروان‌های تجاری قریش

مارشال هاجسون از لغت «raid» برای اقدام مسلمانان در برابر کاروان‌های تجاری قریش استفاده کرده که به معنی تاخت و تاز، یورش و هجوم آوردن است. او بر آن است که در فرهنگ عرب غارت قبیله بالاتر توسط قبیله پایین‌تر به منظور جبران کاستی‌ها امری متداول بود و مسلمانان نیز بعد از هجرت به آن مبادرت کردند. در ادامه می‌گوید: «این کار وسیله‌ای مهم، اگر نگوییم مطلقاً ضروری، برای مردان محمد برای یافتن یک موقعیت اقتصادی مستقل در مدینه بود. چون بدون آن زندگی و امور اجتماعی جامعه جدید مسلمانان پیشرفت نمی‌کرد و باید همانطور مصنوعی و بدلي باقی می‌ماند». میرچا الیاده می‌نویسد: «محمد[ص] و مهاجران برای امرار معاش خود مجبور بودند به کاروان‌های مکیان حمله کنند». موتگمری وات حمله به کاروان‌های تجاری را در راستای گذران زندگی مهاجرین و کسب درآمد

۱ جواد علی (۱۴۱۳)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، ج ۴، بغداد: جامعه بغداد، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲ اسرائیل (ابو ذئب) ولفسون (۲۰۱۳)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلية و صدر الاسلام*، به کوشش مصطفی جواد، بیروت: المركز الأكاديمي للابحاث، ص ۴۶.

۳ احمد بن يحيى بلاذری (۱۴۱۷)، *أنساب الأشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زکلی، ج ۱، بیروت: دار الفکر، صص ۷۳-۷۲.

۴ نک: سید احمد رضا خضری و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «يهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۸۴، صص ۵۴-۵۵.

۵ Marshall G. S. Hodgson (2009), *The Venture of Islam*, Vol. 1: The Classical Age of Islam, revised, University of Chicago Press, p. 175.

۶ میرچا الیاده (۱۳۹۶)، *تاریخ اندیشه‌های دینی (از اسلام تا اصرار اصلاحات)*، ترجمه مانی صالحی علامه، ج ۳، تهران: نیلوفر، ص ۱۱۰.

می‌داند. طبق نظر او مسلمانان با این کار می‌توانستند راه‌های تجاری را در انحصار خود قرار دهند و شغلشان را از سر بگیرند.^۱

دیوید بوکای نیز حمله به کاروان‌های تجاری قریش را ضرورتی برای ایجاد شغل و درآمد برای مهاجرین دانسته است. او از واژه «plunder» استفاده می‌کند که به معنی غارت، تاراج و چپاول است و می‌گوید شغل اصلی مهاجرین تجارت بود و با کشاورزی آشنا بی نداشتند، درنتیجه به تشویق محمد(ص) حمله به کاروان‌های تجاری در رأس برنامه‌های مسلمانان قرار گرفت. سپس او دو دیدگاه مطرح می‌کند. یکی دیدگاه مولوی چراغ علی^۲ است که با اشاره به ضعف روایت این حمله‌ها را رفتاری جاهلانه و به دور از شأن پیامبر(ص) می‌خواند. دیدگاه دیگر بر این یورش‌ها صحه می‌گذارد و این اقدامات مبتنی بر دیپلماسی زور و اجبار را ضرورتی برای کسب پول و حفظ جامعه می‌انگارد.^۳

تقد حمله به کاروان‌ها برای ایجاد شغل

در این شکی نیست که مهاجرین در مدینه با شرایط سختی مواجه شدند و در اولین گام باید تلاش می‌کردند تا نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. گاهی مهاجرین نزد پیامبر(ص) شکایت می‌کردند که زیاده‌روی در خوردن خرما درون آنها را می‌سوزاند. پیامبر نیز با آنها هم‌دلی می‌کرد و می‌فرمود اگر برای شما نان یا گوشتی می‌یافتم شما را از آن اطعمان می‌کردم.^۴ این تنگ‌دستی علاوه بر پیامبر(ص) و مهاجرین حتی متوجه انصار هم شده بود.^۵ اما تکیه بر فقر و تنگ‌دستی یا از دست دادن کسب و کار آیا می‌تواند دلیل چنان ادعایی باشد؟ دلایل زیر بر این سخن مهر بطلان می‌زنند:

افرادی چون هاجسون و الیاده که مدعی‌اند هدف مسلمانان در سریه‌ها کسب شغل و درآمدزایی بوده شاهد و گواهی بر سخن خود ارائه نداده و حرف خود را به هیچ گزاره

۱ Montgomery Watt, W (1961), *Muhammad: Prophet and Statesman*, Oxford University Press, pp. 104-105.

۲ مولوی چراغ علی (۱۸۹۵-۱۸۴۴م) (Moulavi Geragh Ali)، محقق هندی مسلمان در سده نوزدهم و نویسنده کتاب/عظم الکلام فی ارتقاء الاسلام به زبان اردو.

۳ Bukay, David. (2011), *From Muhammad to Bin Laden* (Religious and Ideological Sources of the Homicide Bombers Phenomenon), Transaction Publishers, p. 87

۴ احمدبن علی بن حجر عسقلانی (۱۴۱۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، به کوشش عادل احمد عبدالموحد و علی محمد معوض، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمية، ص ۴۳۳.

۵ همان، ج ۴، ص ۶۱۱-۶۱۲

تاریخی مستند نکرده‌اند. این مطلب صرف یک ادعاست که رد آن نیاز به دلیل ندارد، بلکه مدعی باید بر سخن خود دلیل اقامه کند و بگوید با اتکاء به کدام سخن برای سرایا اینگونه هدف گذاری کرده‌اند؟ همچنین آنها هیچ توضیحی نداده‌اند که مهاجرین مکی تاجر که تا قبل از هجرت در شهری با بایسته‌های مدنی زندگی کرده‌اند چگونه روحیه کشاورزی نداشتند، اما روحیه قتل و غارت داشتند؟

در هیچ کدام از سریه‌ها و غروات قبل از بدر مال التجاره‌ای از قریش به دست مسلمانان نرسیده است، به جز سریه نخله که آن هم غنیمت زیادی نداشت و پیامبر(ص) نیز به دلیل رخ دادن جنگ در ماه حرام اصحاب سریه را نکوهش و غنیمت را ضبط کرد. پیامبر این گروه اعزامی را برای رصد قریش روانه کرده بود و حمله به کاروان تجاری در مأموریت آنها نبوده است.^۱ چنان‌که بیان شد در تقسیم نهایی غنائم نیز اختلافاتی وجود دارد. برخی گفته‌اند غنائم تقسیم شد و برخی گفته‌اند غنیمت و اسیر را به قریش برگردانند. حتی اگر این اختلاف اقوال را هم در نظر نگیریم، سریه نخله در سال دوم هجری رخ داد و کاروانی که مسلمانان در نزدیکی مکه بدان حمله کردند نیز کاروان کوچکی بوده است. حال اگر امرار معاش مسلمانان در سال‌های اول متکی به کاروان‌های تجاری قریش بوده است؛ صدھا مهاجر چگونه زندگی شان را تا آن موقع سپری کرده و زنده مانده‌اند؟

اگر برخی خاورشناسان چنین شانی را برای پیامبر(ص) قائل شده‌اند که او برای پیشبرد اهداف و تأمین هزینه‌های مسلمانان غارت را در رأس اهداف خود قرار داد، دیگر لزومی نداشت این استراتژی به زمان، مکان و گروه خاصی محدود شود. به عبارتی، اگر کسب درآمد و شغل علت حمله به کاروان‌های تجاری بوده است، پس باید همه کاروان‌های منطقه را تهدید می‌کردند که البته هیچ منبعی از چنین تهدیدهایی یاد نکرده است. باید در نظر داشت که بجز کاروان‌های قریش کاروان‌های دیگر نیز در این راههای تجاری رفت و آمد داشتند.

اگر تأمین مالی هدف سریه‌ها بوده است، چرا در سریه نخله که در آن غنائمی به مدینه رسید این غنائم موجب هیچ شادمانی و رضایتی نشد؟ مسلمانان با آن درجه از عسرت باید به خاطر این محمولة غنیمتی خوشحال می‌شدند و مال آن را به سرعت تقسیم می‌کردند. اگر فقر و گرسنگی، انگیزه حمله به کاروان‌ها بوده، این مسئله دیگر متوقف بر ماه حرام و غیرحرام نمی‌شود، درحالی که گزارش‌ها حاکی از آن است که از همان بدو ورود، نه تنها

۱ واقعی، همان، ج ۱، ص ۶۰۱-۶۰۴

پیامبر(ص) نسبت به این امر ابراز ناخشنودی کرد، حتی مسلمانان نیز اصحاب سریه را نکوهش کردند و هیچ واکنش مثبتی هم به غنائم نشان ندادند.^۱ البته ممکن است گفته شود این واکنش منفی به شکسته شدن حرمت ماه حرام مربوط است. این سخن صحیح است ولی اگر فقر و گرسنگی را دلیل سریه‌ها بدانیم، کسب غنیمت آن هم در سال دوم هجری که تا قبل از آن نیز هیچ آورده‌ای از کاروان‌های قریش نصیب‌شان نشده بود، باید حداقلی از آثار رضایت را با خود به همراه بیاورد.

هیچ شاهدی وجود ندارد که پیامبر(ص) تصرف در مال التجاره قریش را به عنوان منبع مالی برای مسلمانان لحاظ یا آنها را بدان تشویق کرده باشد. سریه نخله نیز شاهدی بر این سخن است. اما در مقابل، قرائتی وجود دارد که مهاجرین به مهارت‌های مختلف روی آورده‌اند و برای بهبود شرایط اقتصادی خود بی‌وققه تلاش کرده‌اند.

اقدامات پیامبر (ص) در مشارکت دادن مهاجرین در فعالیت‌های اقتصادی مدینه

مهاجرین با یاری و همراهی انصار و تشویق‌های پیامبر(ص) نسبت به کسب رزق حلال^۲ و معیشت سالم زندگی را از نو آغاز کردند و در طول زمان مکاسب مختلف را در شهر رونق بخشیدند. آنها بعد از هجرت در مزارع و نخلستان‌های انصار به کشاورزی روی آورده‌اند و با انصار در ثلث یا ربع محصولات آنها شریک شدند.^۳ عبدالعزیز بن ادریس درباره وضعیت اقتصادی مردم مدینه می‌نویسد: از عواملی که در بهبود زراعت و پیشرفت زیاد آن در مدینه نقش داشت، شمار انبوی مهاجرینی بود که به زراعت پرداختند و زمین‌های کشاورزی را به شکل گسترده مورد بهره‌برداری قرار دادند. آنها وادی‌های اطراف را آباد کردند، مانند وادی بطحان و اراضی غابه. همچنین در وادی قنات مزارعی را به کشت گندم اختصاص دادند.^۴ آورده‌اند که طلحه بن عبیدالله تمیمی از مهاجرین، نخستین کسی بود که در وادی قنات در شمال مدینه گندم کاشت.^۵ این امور به تدریج باعث نقطه عطفی در زراعت یشرب شد تا جایی

۱ واقعی، همان، ج ۱، ص ۱۶.

۲ درباره روایات پیامبر(ص) در این موضوع نک: محمد ری‌شهری (۱۴۲۹)، حکم النبی الاعظم(ص)، ج ۷، قم: دارالحدیث، صص ۱۹-۱۵.

۳ محمد بن اسماعیل بخاری (۱۴۰۱)، صحيح، ج ۳، استانبول: دارالطباعة العامرة، افست دارالفکر، ص ۶۸.

۴ درباره شرایط اقتصادی مدینه نک: عبدالله عبدالعزیز بن ادریس (۱۴۰۲)، مجتمعالمدینة فی عهد الرسول(ص)، ریاض: جامعه الملك سعود، الباب الثالث، الفصل الثاني: الحالة الاقتصادية في المدينة المنورة خلال العصر النبوى، صص ۲۰۱-۲۲۵.

۵ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۱۶۶.

که به نظر محققان، بعد از هجرت مدینه، در محاصره باغها و درختان قرار گرفت. از سوی دیگر، روند احیای اراضی موات نیز از سوی مسلمانان دنبال شد و هر کس زمینی از این اراضی را آباد می‌کرد، از آن او می‌شد. همچنین پیامبر(ص) اراضی موات و مناطقی را که انصار به آن حضرت می‌بخشیدند، به صورت اقطاع^۱ در اختیار مهاجرین قرار می‌داد.^۲

به هر حال، تشویق و توصیه‌های پیامبر(ص) بی‌شک در رونق اقتصاد و تأمین معیشت مهاجرین تأثیر بسزایی داشته است. ایشان می‌فرمود کسی که از دسترنج خویش معیشت کند، دوست خداست و هر کس خسته از جستجوی مال حلال روز را به شب آورد، روز را آمرزیده به شب رسانده است، و از محبت خدا به بندگانی می‌گفت که در طلب رزق حلال رنج و زحمت می‌کشند.^۳ این آموزه‌ها در تکاپوی مسلمانان سهم عمدی داشت. کنانی از بسیاری از مشاغل و حرفة‌ها از جمله بزاری، عطرفروشی، پوست دوزی، دباغی، هیزم کشی، نساجی، نجاری، تصویرگری، نقاشی، آهنگری و ... در مدینه یاد می‌کند که مسلمانان بدان اشتغال داشتند.^۴ به عبارتی در مدینه همه چیز مثل یک زندگی عادی جریان داشت و پیامبر(ص) با تشویق و توصیه به کسب حلال بر رونق و برکت زندگی آنها می‌افزود.

پیامدهای منفی حمله به کاروان‌ها

در ادامه با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مدینه، به این سؤال پاسخ می‌دهیم که حمله به کاروان‌ها آیا اساساً به نفع مسلمانان بوده و آیا این سیاست توسعه و رونق اقتصادی شهر را در بی‌داشته است؟

۱. ضرورت امنیت مسیرهای تجاری و تعامل نیکو با قبایل اطراف

به جای گذاشتن همه زندگی و سرمایه در مکه برای اغلب مهاجرین آنها را از کسب و کوشش بازنداشت و آنان در مدینه تلاش معیشتی خود را آغاز کردند. فعالیت‌های بازرگانی مسلمانان نیز بعد از هجرت افزایش یافت، زیرا مهاجران کار تجاری خود را به مدینه منتقل

۱ و اگذاری زمین یا منافع حاصل از آن برای زمانی محدود یا نامحدود به کسی از سوی حاکم را اقطاع می‌گویند. (محمد عبدالرحمن عبدالمنعم (۱۴۱۹)، معجم المصطلحات والآلفاظ الفقهية، ج ۱، قاهره: دار الفضيلة، ص ۲۶۷).

۲ برای نمونه نک: سلیمان بن اشعث ابوداؤد سجستانی (۱۴۰۰)، سنن، به کوشش سعید محمد لحام، ج ۲، دار الفکر، کتاب الخراج والامارة والغيء، باب «فی اقطاع الارضين» و «فی احياء الموات»، صص ۴۷-۵۲؛ خضری و احمدوند، همان، ص ۵۷.

۳ ری شهری، همان، ج ۷، صص ۱۷-۱۸.

۴ نک: محمد عبدالحی کنانی [بنی تا]، الترتیب الاداری، ج ۲، بیروت: دار الارقم بن ایی الارقم، ج ۲، صص ۱۰۶-۱۰۸.

کردند. آنها همراه با ممارست در تجارت داخلی و ساماندهی آن، به تجارت خارجی هم رو آوردند و اقدام به سفرهای تجاری بین مدینه، شام و بصری کردند.^۱ مانند سفرهای تجاری طلحه بن عبیدالله و زبیر بن عوام و سعید بن زید به شام،^۲ یا سفرهای تجاری اباعلیع انصاری که با سرمایه خود و دیگران تجارت می‌کرد.^۳ سعد قرظ (سعده بن عائذ) نیز با توصیه پیامبر(ص) به خرید و فروش پوست درخت «قرظ» (که در دباغی به کار می‌رود) مشغول شد.^۴ درباره عبدالرحمن بن عوف آمده است که وقتی به مدینه رسید، پیامبر(ص) بین او و سعد بن ریبع انصاری عقد برادری بست. سعد که از ثروتمندان مدینه بود می‌خواست او را در مال خود شریک کند ولی عبدالرحمن قبول نکرد و گفت مرا به بازار راهنمایی کنید و به خرید و فروش مشغول شد. او در کسبش موفق بود، و از وی نقل شده که من چنان خیر و برگتی دیدم که امیدوار بودم هر سنگی را بردارم زیر آن سیم و زر پیدا کنم.^۵ پیامبر(ص) در شهر بازاری برای مسلمانان احداث کرد تا آنان به لحاظ اقتصادی مستقل شوند.^۶ بازارهای مدینه بعد از هجرت تعدادشان افزایش یافت.^۷ با توجه به آشنایی مهاجرین با تجارت، این بازارها در طول زمان از رونق خوبی برخوردار شدند.

غفاری اقدامات پیامبر(ص) برای فراهم کردن امکانات تولید و اشتغال در مدینه را در ده زمینه جمع آوری کرده است، از جمله آنکه می‌نویسد: پیامبر(ص) با عقد قرارداد مضاربه و تهیه سرمایه و امکانات حمل و نقل، تجارت را از انحصار عده‌ای خاص درآورد و افراد علاقه‌مند به تجارت را به این کار فراخواند و بدین ترتیب، راه خود کفایی و کسب معاش را

۱ برای نمونه: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، به کوشش علی محمد بجاوی، ج ۴، بیروت: دارالجیل، ص ۱۵۲۶-۱۵۲۷؛ نک: علی بن محمد بن مسعود خزاعی (۱۴۰۵)، تحریج الدلالات السمعیة، به کوشش احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ص ۶۸۷ به بعد.

۲ ابن عبدالبر، همان، ج ۲، ص ۵۱۴، ۶۱۵-۷۶۴، ۷۶۵-۷۶۷.

۳ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۷، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۴ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۹۳؛ عبدالله بن محمد بن بغوي (۱۴۲۱)، معجم الصحابة، تحقيق محمد أمین بن محمد محمود احمد جکنی، ج ۳، کویت: مکتبة الدار البیان، ص ۴۰-۳۹.

۵ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۹۳.

۶ احمد بن علی مقریزی (۱۴۲۰)، امثال الاسماع بـالنبوی من الاحوال والاموال والحفنة والمتعاع، به کوشش محمد عبدالحمید نمیسی، ج ۹، بیروت: دار الكتب العلمية، ص ۳۶۲-۳۶۳.

۷ مثلاً بازارهای بقیع الزبیر، بنی ساعدة و مهزور را پیامبر(ص) تأسیس کرد. نک: علی بن احمد سمهودی (۲۰۰۶)، وفاء الوفاء بالختار دار المصطفی، به کوشش خالد عبد الغنی محفوظ، ج ۲، بیروت: دار الكتب العلمية، ص ۲۵۷؛ نک: سید احمد رضا خضری و احمد فلاحزاده (۱۳۹۲)، «نظام حاکم بر بازارهای شبه‌جزیره در دو زمانه جاهلی و عصر نبوی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۵، ش ۱۹، ص ۲۵-۲۸.

برای مهاجر و انصار هموار ساخت.^۱ از برخی صحابه نقل شده که ما در زمان پیامبر(ص) تاجر بودیم در ادامه روایت آنها در این حوزه از پیامبر(ص) سؤالاتی کرده و پاسخ آن را دریافت می کنند.^۲

از سوی دیگر، اهمیت اقتصاد و نحوه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان نزد نبی(ص) چنان بود که خود به تنظیم و نظارت بر امور دادوستد همت گماشت. ذکر شده که پیامبر(ص) از کنار مردی عبور کرد که غذایی می فروخت، مرد فروشنده چیز تقلیبی را وارد غذا کرد. پیامبر(ص) فرمود: کسی که در کار خود تقلب کند از ما نیست.^۳

با چنین دقت نظری روشن است که ایشان از سایر مؤلفه‌های ضروری در گسترش این امر غفلت نکرده‌اند. در همین زمینه، یکی از شاخص‌های تجارت موفق وجود مسیرها و شرایط ایمن برای حمل و نقل و تبادل کالاهاست. به همین جهت است که پیمان‌های تجاری فریش با قبایل بین راه اهمیت بسزایی داشت. سابقه این پیمان‌ها دیرین بود و به زمان هاشم جد سوم پیامبر برمی‌گشت^۴ و باعث ایجاد امنیت و در نتیجه رونق تجارت مکیان شد. بازار مدینه هم در صورتی رونق پیدا می‌کرد که بازار گنان می‌توانستد در فضایی ایمن به تجارت مشغول شوند. آنها که هم خریدار کالاهای تجاری کاروان‌ها بودند و هم فروشنده محصولات زراعی با در نظر گرفتن تکاپوی تجاری بازارها و مراودات دوسویه، روشن است حمله به کاروان‌ها تبعاتی به بار می‌آورد و موجب ناآرامی‌هایی در منطقه می‌شود که نتیجه سوء آن اول به خودِ مدینه آسیب می‌رساند، زیرا تجارت پیش از هرچیز به نظام و فضایی امن نیاز دارد. تجار مکی با همان تجربه‌ها و مهارت‌هایی که در تجارت داشتند به مدینه آمده بودند و به خوبی به این امر واقف بودند که پیشتر، پیشرفت تجارت‌شان در گرو فضای امنی بود که در مکه و حاشیه آن ایجاد شده بود. ایجاد ناامنی در مسیرهای تجاری اطراف مدینه یا خلل در کار کاروان‌های تجاری قطعاً کار تجار این شهر را نیز با مشکلاتی مواجه می‌کرد. آن‌هم مهاجرینی که بنیه اقتصادی چندانی نداشتند و اگر می‌خواستند به تجارت رو آورند، باید با مال التجاره‌ای محدود شروع می‌کردند و مسلماً نسبت به قافله‌های بزرگ مکه بسیار آسیب‌پذیرتر بودند.

۱ هادی غفاری (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی صدر اسلام (رشته اقتصاد)، تهران: دانشگاه پیام نور، ج ۳، صص ۳۷-۳۹.

۲ احمد عجاج کرمی (۱۴۲۷)، الادارة في عصر الرسول(ص)، قاهره: دار السلام، ص ۱۷۲.

۳ عبدالله بن محمدبن ابی شیبہ [ابی تا]، مسنن، به کوشش عادل بن یوسف غزاوی و احمد فرید مزیدی، ج ۲، ریاض: دار الوطن، ص ۲۲۳.

۴ جواد علی، همان، ج ۷، صص ۳۰۲-۳۰۳؛ زرگری نژاد، همان، ص ۱۱۳.

بنابراین، سیاست حمله به کاروان‌ها علاوه بر رونق فرهنگ غارتگری می‌توانست موجب تضعیف تجارت در میان خود مسلمانان نیز باشد؛ در حالی که چنین حوادثی ثبت نشده و بر رونق بازار مدینه در طول زمان افزوده شده است. ابن‌ادریس می‌گوید قبایل مجاور مدینه نقش گسترده‌ای در رشد و رونق اقتصادی بازارهای مدینه داشتند. گروههایی از این قبایل که به بازار مدینه می‌آمدند انواع کالاها را برای خرید و فروش در طول سال به همراه داشتند.^۱ کالاهایی که آنان در بازار عرضه می‌کردند شتر و گوسفند^۲ و از محصولاتی که از مدینه می‌خریدند خرما بود.^۳ لازمه چنین امری تعامل نیکو با این قبایل بوده است و در پی این روابط مسالمت‌آمیز، آنها با مدینه دادوستد داشته‌اند.

۲. فراهم شدن زمینه جنگ‌های منطقه‌ای به دلیل نفوذ قریش در منطقه

اگرچه پیامبر(ص) کوشید تا مناسبات مطلوبی با قبایل اطراف خود برقرار کند، ولی قوت روابطی که این قبایل تحت پیمان‌های خدمات تجاری یا سیاسی با مکه داشتند بسی عیق و ریشه‌دارتر بود. بنابراین، هر نوع بحرانی در این مسیرها می‌توانست امنیت مدینه را از طریق این قبایل بهشت متزلزل کند. سیطره قریش در منطقه را نباید دست کم گرفت. القاب «جیران اللہ»، «آل اللہ» و «سکان حرم اللہ»^۴ نشان از اعتباری دارد که آنها نزد بادیه‌نشینان و قبایل مختلف داشتند. این سلطه منطقه‌ای همیشه برای مسلمانان تهدید حساب می‌شد، زیرا یکی از بهترین راهها برای قریشی دور از مدینه تأثیر بر همین قبایل نزدیک بود تا آنها را در برابر مسلمانان تهییج کند.

این در حالی بود که در آغاز هجرت، هنوز ناشاخت عمیق و کافی نسبت به پیامبر(ص) و دعوتش وجود نداشت. مسلمانان در مکه چنان تحت فشار بودند که مجال کافی برای دعوت در سایر نقاط پیدا نکرده بودند. در مقابل قریش با نفوذ بسیارش، پیامبر(ص) و آئینش برای قبایل همچنان ناشناخته بود. در چنین شرایطی، حمله به کاروان‌های مکه می‌توانست برگ برنده‌ای برای مکه باشد تا بتوانند قبایل مختلف را با خود در ضدیت با مدینه همراه کنند؛

^۱ عبدالعزیز بن ادریس، همان، صص ۲۱۲-۲۱۳.

^۲ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۲۶۱.

^۳ علی بن حسن بن عساکر (۴۱۵)، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، ج ۷۳، بیروت: دار الفکر، صص ۱۰۳-۱۰۲.

^۴ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۵۲؛ محمد بن احمد ذهبه (۴۰۹)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاہیر والاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمیری، ج ۱، بیروت: دار الكتاب العربي، ج ۲، ص ۲۵.

زیرا تجارت امری یک‌سویه نیست و به خصوص در تجارت‌های کلان به خاطر دادوستدی که میان دو طرف انجام می‌شود، هر دو عوایدی از یکدیگر دارند. کاروان‌های بزرگ تجاری قریش مسیری طولانی را طی می‌کردند. آنها در بازارهای مختلف حجاز و نیز غزه و شام و فلسطین شرکت و با آنان تبادلات کالا داشتند. باید در نظر داشت که بخش عمده‌ای از حیات قبایل در گرو حرکت همین کاروان‌های تجاری قریش بود که سرپرست شاخص ترین محموله‌های تجاری منطقه بودند. به عبارتی این کاروان‌ها علاوه بر آنکه برای قریش دارای اهمیت بسیار بودند برای قبایل بین راه نیز مهم بودند. حمله به آنها به راحتی می‌توانست اسباب جنگ‌های قبیله‌ای را فراهم کند و حتی موجب اشلافی ضد مدینه شود.

از سوی دیگر تصاده‌های اعتقادی بَدویان با مسلمانان و علاقه به غارت مدینه از جمله عوامل تمایل بَدویان به همکاری با قریش در حرکت‌های ایدایی یا اقدامات نظامی مستقل بر ضد مدینه بود.^۱ مدینه پیش از این طعم تاخ جنگ را چشیده بود، اما جنگ‌هایش جنگ‌های قبیله‌ای و داخلی بود، نه جنگ‌هایی بر سر حمله کاروان‌ها و غارت آنها و نه راهزنی در مسیرهای تجاری چون عملکرد قطاع‌الطريقان. اهل مدینه از همان جنگ‌ها هم خسته بودند. آنها نمی‌خواستند اختلافات میان قبیله‌ای شان فروکش کند و به جای آن گرفتار درگیری با سایر قبایل شوند. برخی قبایل اطراف مدینه هم پیمانان اوس یا خزر بودند.^۲ با در نظر گرفتن روابط پیچیده قبایل با یکدیگر و نیز با قریش، حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست به معنی اعلان خطر و جنگ اقتصادی پیامبر(ص) با طرفهای تجاری مکه یا حتی یثرب نیز تلقی شود، زیرا منافع آنها هم در خطر قرار می‌گرفت. با این حساب آیا مدینه این آمادگی را داشت که چنین هزینه‌ای را به جامعه استوارنشده مسلمانان تحمیل کند؟ پاسخ منفی است و چنین اتفاقی هم نیفتاده است. در اخبار سریه‌ها و غزوه‌ها تا زمان فتح مکه - اگرچه بسیاری از آنها با چالش‌های جدی روبرو هستند - نشانی از جنگ‌های اقتصادی قبایل با مدینه دیده نمی‌شود.

پیامبر(ص) جنگ‌های سخت زمان جاهلیت مانند فجر چهارم، یوم السُّلَان^۳ و

۱ زرگری نژاد، همان، ص ۳۶۸.

۲ علی بن محمدبن اثیر(۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، بیروت: دار صادر / دار بیروت، ص ۶۸۰.

۳ ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۷؛ محمدبن حبیب هاشمی بغدادی (۱۴۰۵)، *المدقق فی اخبار قریش*، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب، ص ۱۶۴-۱۸۱.

۴ محمد احمد عباد مولی بک و علی محمد بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم [ابی تا]، *ایام العرب فی الجahلیyah*، بیروت: المکتبة العصریة، ص ۱۰۷-۱۰۸.

یوم الصفه^۱ که بر سر حمله به کاروان‌ها برپا شده بود را فراموش نکرده بود و نمی‌خواست دوباره این شعله‌ها برافروخته شود. ممکن است گفته شود انصار با پیمان عقبه و دعوت پیامبر^(ص) دشمنی قریش را به جان خریده و آماده هر حادثه‌ای بوده‌اند. البته تردیدی نیست که آنها با در ک دشواری شرایط مسلمانان و سرسختی ستیزه‌گران با پیامبر بیعت کردند، اما این بدين معنی نیست که در همان ماه‌های اول، همهٔ اهل شهر پذیرای پیامبری شده باشند که نامن کردن مسیرهای اطراف مدینه را در رأس برنامه‌های خود قرار داده باشد. آنها برای دفاع از پیامبر^(ص) هم‌قسم شدند و دفاع با هجوم به کاروان‌های تجاری تفاوتی بسیار دارد.

۳. یهودیان و عدم تحمل عوامل منفی بر بازارهایشان

یهودیان در یتراب از قدرت مالی بالایی برخوردار بودند و بازار مشهور یتراب، بازار قینقاع از بازارهایی بود که آنها متولی اش بودند.^۲ آنان از آغاز روابط‌شان بر دشمنی با مسلمانان شکل گرفت تا جایی که حتی تحمل بازار مسلمانان را در نزدیکی خود نداشتند، مبادا که از رونق کسب و کارشان کاسته شود. به همین جهت، کعب بن اشرف – از بزرگان یهود – طناب‌های بازار مسلمانان را پاره کرد و پیامبر^(ص) آن را به جای دیگری منتقل کرد.^۳ حال این یهودیان که تحمل بازار مسلمانان را نیاورند چگونه ممکن است به سیاست حمله به کاروان‌ها و نامن کردن راه‌ها هیچ اعتراضی نکرده باشند؟ درحالی که این مسئله می‌توانست مستقیماً بر تجارت و رونق کسب و کار مدینه اثر بگذارد. به‌هرحال، متحدهن قریش و قبایلی که حافظ منافع قریش بودند با چنین شیخون‌هایی مقابله به مثل می‌کردند و باید در نظر داشت که بخش مهمی از اقتصاد بازار مدینه در دست یهودیان بود. البته ممکن است گفته شود حتی اگر چنین باشد، این تهدید متوجه مسلمانان می‌شد و نه یهود. در پاسخ باید گفت درست است که یهودیان بازار مستقل داشتند، اما به‌هرحال، زندگی مسلمانان و یهودیان و خرید و فروش و معاملات‌شان در مدینه درهم تنیده بود و نمی‌توان گفت کاروان‌ها و تشکیلات تجاری آنها کاملاً مستقل از مسلمانان بوده است.^۴ این تبیینگی روابط اقتصادی تا حدی بود که در سال

^۱ همان، صص ۵-۲.

^۲ یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۴، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۴۲۴؛ درباره بازارهای مدینه نک: عمر بن شبه تمیری (۱۴۱۰)، *تاریخ المدينة المنورة*، به کوشش فہیم محمد شلتوت، ج ۱، قم: دار الفکر، صص ۳۰۶-۳۰۴.

^۳ مقریزی، همان، ج ۹، صص ۳۶۲-۳۶۳؛ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

^۴ برای نمونه نک: واقدی، همان، ج ۱، صص ۴۰۲-۴۰۴؛ بخاری، همان، ج ۳، ص ۸؛ ری‌شهری، همان، ج ۵، صص ۵۲۴-۵۲۵.

پنجم هجری در جنگ خندق مسلمانان از یهودیان بنی قریظه ابزار و تجهیزات امانت گرفتند.^۱ تهدید اقتصادی مدینه و مقابله به مثل از سوی قریش در برابر حمله به کاروان‌های تجاری می‌توانست موجب خصوصیت‌های جدیدی در منطقه شود. به نظر می‌رسد موج این تلاطم دامن یهود و موقعیت اقتصادی آنها را هم می‌گرفت و در این صورت، نمی‌توان از آنان انتظار سکوت داشت. همان یهودیانی که همواره در پی همدستی با سیزه‌گران برای ضربه زدن به مسلمانان بودند.

کوتاه سخن اینکه حمله به کاروان‌های تجاری برای رفع مشکلات اقتصادی مدینه تعیانی در پی داشت که نمی‌توان از آنها صرف نظر کرد. این هدف عکس العمل‌های متقابلی را از جانب قریش و متخدین برمی‌انگیخت که پیامدهای بدتری برای اقتصاد نوپای مدینه به همراه داشت. علاوه بر آن، در گزارش‌های تاریخی ردپایی از هیچ یک از این حوادث، یعنی مقابله به مثل کاروانی، از سوی قبایل بر ضد مدینه دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اگر پیامبر(ص) به عنوان امیر مدینه، در همان آغاز که هنوز با جامعه‌ای ناهمگون طرف بود سیاست حمله به کاروان‌ها را در پیش می‌گرفت، تبعات مختلفی به بار می‌آورد. میان قریش با قبایل اطراف مدینه از یک سو و میان اوس و خزر و قبایل از سویی دیگر حلف‌هایی وجود داشت و اصولاً جامعه‌ی عرب جامعه‌ای مبتنی بر پیمان‌های مختلف بود. نگرش‌های رقابت‌آمیز بی‌رحمانه‌ای میان قبایل در شب‌جزیره حاکم بود. با در نظر گرفتن این درهم‌تنیدگی روابط قبیله‌ای، حمله به کاروان‌ها اسباب بروز اختلافات و تنش‌های جدیدی را فراهم می‌کرد. از سوی دیگر یهودیان که موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان در خطر قرار می‌گرفت نیز در برابر چنین اقدامی بی‌اعتنای نمی‌مانندند.

همراهی این شهر با سیاستی مبتنی بر حمله به قریش، آن هم نه به قصد دفاع بلکه برای یافتن یک موقعیت اقتصادی و آن هم نه در برابر سپاه مکه بلکه در برابر کاروان‌های تجاری، محل تردید جدی است. کسانی که چنین ادعایی کردند شاهدی از شرایط مدینه نیاورده‌اند و این تحلیل خود را بر هیچ گزارهٔ تاریخی مبتنی نکرده‌اند که چگونه با در نظر گرفتن شرایط

^۱ واقدی، همان، ج. ۲، ص. ۴۴۵.

پیچیده مدینه چنین استراتژی‌ای تدبیر شد و چه عکس‌العمل‌ها و واکنش‌هایی در پی داشت. تحریر این هدف برای غزوات و سرایای آغاز هجرت یعنی کسب شغل و درآمد برای مسلمانان، از سوی مستشرقینی چون هاجسون، الیاده، موتگمری وات و بوکای نه تنها ممکن به شواهد تاریخی نیست بلکه با شرایط اقتصادی مدینه و تلاش پیامبر(ص) برای استقرار مهاجرین و امرار معاش بینه آنها نیز در تصاد است؛ غارت کاروان‌ها و ایجاد ناامنی در مسیرها اقتصاد مدینه نوبرا با چالش‌های جدی روبرو می‌کرد.

حمله و غارت مال التجاره قریش به عنوان هدف غزوات و سرایای آغازین بعد از هجرت، از جهاتی دیگر نیز به نقد و بررسی نیاز دارد؛ مباحثی چون تحلیل گزارش‌های تاریخی این سرای، بررسی مناسبات مسلمانان با قریش و نیز با قبایل اطراف، انتقام در سیره نبوی، نقد صفت قاطع نسبت به پیامبر(ص) و بررسی اسنادی این گزارش‌ها. در سایه این نقد همه‌جانبه گزارش‌های حمله به کاروان‌های تجاری باید به دنبال پاسخ دادن به این پرسش بود که پس اهداف غزوات و سرایای قبل از بدر چه بوده است؟ این موضوع محل تحقیق و کاوشی دیگر است.

منابع و مأخذ

- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد [بی‌تا]، مسنده، به کوشش عادل بن یوسف غزاوی و احمد فرید مزیدی، ریاض: دارالوطن.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر و دار بیروت.
- ابن حیب هاشمی بغدادی، محمد (۱۴۰۵)، *المنقی فی اخبار قریش*، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۸)، *الطبقات الکبری*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن شبه نفیری، عمر (۱۴۱۰)، *تاریخ المادینة المنورۃ*، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاح*، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵)، *تاریخ مادینة دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالملک [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، به کوشش ابراهیم ایاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شبی،

- بیروت: دار المعرفة.
- ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعت (۱۴۱۰)، سنن، به کوشش سعید محمد لحام، دار الفکر.
 - افغانی، سعید (۱۳۹۴)، اسوق العرب فی الجahلية والاسلام، بیروت: دار الفکر.
 - الیاده، میر چا (۱۳۹۶)، تاریخ اندیشه‌های دینی ۳ (از اسلام تا عصر اصلاحات)، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نیلوفر.
 - بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، صحیح، استانبول: دار الطباعة العامرة، افسٰت دار الفکر.
 - بغوی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۱)، معجم الصحابة، تحقیق محمد امین بن محمد محمود احمد جکنی، کویت: مکتبة الدار الیان.
 - بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
 - بنائی کاشی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۸۹)، اطلس تاریخ اسلام، زیر نظر عزیز خوشوت، تهران: تکا.
 - جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر.
 - جواد علی (۱۴۱۳)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: جامعه بغداد.
 - خزاعی، علی بن محمد بن مسعود (۱۴۰۵)، تخریج الدلالات السمعیة، به کوشش احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
 - خضری، سید احمد رضا و فاطمه احمدوند (۱۳۸۶)، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۴، صص ۴۷-۶۶.
 - ——— و فلاح زاده، احمد (۱۳۹۲)، «نظام حاکم بر بازارهای شبہ‌جزیره در دو زمانه جاهلی و عصر نبوی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۵، ش ۱۹، صص ۴۸-۹.
 - ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمیری، بیروت: دار الكتاب العربي.
 - ری شهری، محمد (۱۴۲۹)، حکم النبي الاعظم (ص)، قم: دار الحدیث.
 - زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
 - سمهودی، علی بن احمد (۲۰۰۶)، وفاء الوفاء باخبر دار المصطفی، به کوشش خالد عبد الغنی محفوظ، بیروت: دار الكتب العلمية.
 - سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷)، عیون التفاسیر، به کوشش بها الدین دارتمنا، بیروت: دار صادر.
 - شریف، احمد ابراهیم (۱۹۸۵)، مکة والمدینة فی الجahلية وعهد الرسول، قاهره: دار الفکر العربي.
 - صدر، سید کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - عبدالعزیز بن ادريس، عبدالله (۱۴۰۲)، مجتمع المدینة فی عهد الرسول (ص)، ریاض: جامعه الملک سعود.
 - عبدالمنعم، محمد عبدالرحمن (۱۴۱۹)، معجم المصطلحات والانماض الفقهیة، قاهره: دار الفضیلۃ.
 - غفاری، هادی (۱۳۹۰)، نظام اقتصادی صدر اسلام (رشته اقتصاد)، تهران: دانشگاه پیام نور.

- کنانی، محمد عبدالحی [بی‌تا]، التراتیب الاداریة، بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
 - کرمی، احمد عجاج (۱۴۲۷)، الادارة فی عصر الرسول (ص)، قاهره: دار السلام.
 - مقریزی، احمدبن علی (۱۴۲۰)، امتحان الاسماع بما للنبي من الاحوال والاموال والحنفۃ والمتعال، به کوشش محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت: دار الكتب العلمية.
 - مولی بک، محمد احمد عباد و علی محمد بجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم [بی‌تا]، ایام العرب فی الجاهلیة، بیروت: المکتبة العصریة.
 - واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹)، المغازی، به کوشش مازدن جونز، بیروت: اعلمی.
 - ولنسون، اسرائیل (ابوذؤیب) (۲۰۱۳)، تاریخ اليهود فی بلاد العرب (فی الجاهلیة و صدر الاسلام)، به کوشش مصطفی جواد، بیروت: المركز الکادیمی للابحاث.
 - یاقوت حموی (۱۹۹۵)، معجم البیان، بیروت: دار صادر.
- Bukay, David (2011), *From Muhammad to Bin Laden* (Religious and Ideological Sources of the Homicide Bombers Phenomenon), Transaction Publishers.
 - Hodgson, Marshall G. S. (2009), *The Venture of Islam* (vol.1: The Classical Age of Islam), revised, University of Chicago Press.
 - Montgomery Watt, W (1961), *Muhammad: Prophet and Statesman*, Oxford University Press.

